پلیس معترضان را از «تقسیم» بیرون کرد

میدان «تقسیم» استانبول پس از ۲۴ساعت آرامش نسبی، با حمله پلیس ترکیه به تظاهرکنندگان و شلیک گاز اشک‌آور بار دیگر از صبح روز گذشته شاهد آشوب و درگیری شد. به گزارش اسکای‌نیوز عربی، این اقدام پلیس ترکیه ۲۴ ساعت پس از نشست اردوغان، نخست‌وزیر ترکیه و مسوولان امنیتی این کشور انجام شد که براساس آن قرار شد از روز سه‌شنبه هرگونه برگزاری تظاهرات در ترکیه غیرقانونی شود. در پی این تصمیم نیروهای ضدشورش ترکیه با ورود به میدان تقسیم ضمن درگیری با تظاهرکنندگان مخالف دولت، پرچم‌ها، پلاکاردها و نمادهایی که آنها در این میدان نصب کرده بودند را پایین کشیدند. ماشین‌های آب‌پاش نیز با حرکت در سراسر میدان به مقابله با معترضان می‌پردازند. صدای تیراندازی شنیده می‌شود و دود ناشی از پرتاب گاز اشک‌آور در این میدان و خیابان‌های اطراف آن به چشم می‌خورد. تظاهرکنندگان نیز با پرتاب سنگ و کوکتل‌مولوتف سعی در مقابله با نیروهای ضدشورش ترکیه داشتند. با این حال به گزارش آسوشیتدپرس، فرماندار استانبول در پیامی در توییتر خود گفته است که ماموریت پلیس در روز سه‌شنبه صرفا پایین‌کشیدن پارچه‌نوشته‌ای بوده که معترضان بر یک بنای یادبود در میدان تقسیم آویخته بودند. او گفته است که منظور پلیس، حمله به معترضان و متفرق‌کردن آنان نبوده است. همزمان با این سرکوب، رجب طیب اردوغان، نخست‌وزیر ترکیه در میان اعضای پارلمان این کشور گفت: معترضان خواسته مشخص و واحدی ندارند. او ادامه داد: «امکان ندارد این خشونت‌ها را بتوان دفاع از محیط‌زیست یا آزادی بیان تعبیر کرد. در حال حاضر میدان تقسیم شاهد ادامه اعتراضات و درگیری‌هاست و آنچه در این میدان اتفاق افتاده غیرقابل‌قبول و توجیه‌ناپذیر است. او همچنین گفت: در میان تظاهرکنندگان برخی برای خشونت و ایجاد فتنه تلاش می‌کنند.» از سوی دیگر جن پساکی، سخنگوی وزارت خارجه آمریکا در واکنش به اظهارات اردوغان اعلام کرد: اعتراض‌های جنبش «اشغال وال‌استریت» در آمریکا حتی یک کشته نداشت. اشاره او در واکنش به اظهارات اردوغان بود که گفته بود اعتراض‌های اشغال وال‌استریت ۱۷ کشته در آمریکا داشت. این در حالی است که بولنت آرینچ، معاون نخست‌وزیر ترکیه اعلام کرد، رجب طیب اردوغان قرار است امروز با سران اعتراض‌های گسترده ضددولتی دیدار کند.

یادداشت

قهر نکنید

فریدون مجلسی
کارشناس امور بین‌الملل

● دموکراسی فرآیندی است که به‌تدریج جا می‌افتد و بلوغ می‌یابد! در انگلستان که مادر دموکراسی نامیده می‌شود در آغاز قرن بیستم بیش از ۱۵ یا ۱۶ درصد مردم حق رای نداشتند. تدریجا شرایطی مانند مالکیت زمین، پرداخت مالیات، مرد بودن و سواد حذف شد و این حق عمومیت یافت. در ایران مشروطیت جلوتر از فرهنگ عمومی حرکت می‌کرد و به همین دلیل به‌جای دموکراسی منجر به هرج‌ومرج و دیکتاتوری شد! باری، انتخابات بارزترین نماد دموکراسی است که نیاز به نهادهای مدنی دارد! وقتی چیدمان جامعه رنگ دموکراتیک نگرفته باشد، دموکراسی نیز متناسب با آن نسبی می‌شود! در آفریقای‌جنوبی به‌موجب قوانین جداسازی قومی [آپارتاید] اکثریتی از جامعه از این حق سیاسی و اجتماعی محروم بودند. اما شاهد بودیم که سرانجام، به‌طور مسالمت‌آمیز، پذیرای برقراری انتخابات بدون تبعیض و عمومی شدند. درواقع چیزی که این فرآیند رو به بلوغ دموکراسی را سست می‌کند عدم مشارکت در مهم‌ترین نماد آن یعنی انتخابات است. من نیز بارها با نوعی برداشت انفعالی با این فرآیند قهر کرده و گاهی تحت فشارهای دیگری در آن شرکت کرده‌ام. نتیجه تجربه‌ام این بوده است که عدم مشارکت هیچ خاصیتی نداشته است! در حالی که مشارکت می‌تواند موثر باشد و حداقل اینکه پیامی را می‌رساند و آماری را منتقل می‌کند. تحریم انتخابات نتیجه‌ای جز بی‌تحرکی و خمودگی سیاسی و اجتماعی ندارد و تنها امیدها را برای رسیدن به حق و حقوق و استانداردهای جهانی دموکراسی کم می‌کند. بی‌اعتمادی‌ها نیز زیاد می‌شود. قهر کردن و رای ندادن حتما هیچ خاصیتی ندارد. در منفی‌ترین شرایط هم، دست‌کم آمار کمّی شرکت‌کنندگانی را که طور دیگری می‌اندیشیده‌اند منتقل می‌کند و موجب می‌شود تدریجا در محاسبات و رفتارهای حاکم ملحوظ و رعایت شود. به این دلیل است که به‌رغم ایرادهایی به نحوه کار، در انتخابات شرکت می‌کنم!

یادداشت

چرا تحریم نه؟

یوسف مولایی

حق تعیین سرنوشت در حیات اجتماعی از مظاهر یک زندگی زیباست و انتخابات یکی از سازوکارهایی است که حق تعیین سرنوشت را به عینیت درمی‌آورد. مراد از حق تعیین سرنوشت این است که انسان در سازماندهی زندگی اجتماعی با رعایت حقوق دیگران و الزامات زندگی اجتماعی از حداکثر آزادی برای تحقق خواسته‌های عقلانی، اخلاقی و انسانی برخوردار باشد به طوری که زندگی اجتماعی زیبایی را تجربه کرده و از آن لذت ببرد. از این‌رو انتخابات وسیله‌ای است برای اعمال حق تعیین سرنوشت و تجربه بخشی از زیبایی زندگی اجتماعی. در روند حق تعیین سرنوشت از طریق انتخابات، انسان به آزادی و برابری خود و دیگران ارج گذاشته و از این طریق مسیر همزیستی مسالمت‌آمیز و پایدار اجتماعی را هموار می‌کند. مشارکت فعال در انتخابات به‌رغم وجود ایرادات و نقصان‌ها یکی از روش‌های موثر ارتقای سطح دموکراسی است و تقریبا تحریم انتخابات به‌عنوان وسیله‌ای برای ارتقای کیفیت و سطح آن با اقبال کنشگران مدنی، اجتماعی و سیاسی مواجه نیست. هرچند که وضعیت کشورهای توسعه‌یافته و درحال‌توسعه همسنگ نبوده و نمی‌توان با شاخص‌های واحد جایگاه تحریم یا مشارکت فعال را در این دو، مورد ارزیابی و بررسی قرار داد. با وجود این دو گزینه حضور و عدم حضور، اعتراض را می‌توان در جوامع مختلف برپایه نتایج حاصله از عدم تحرک یا ترک فعل و حضور فعال به‌عنوان یک حرکت اعتراضی به نحوه برگزاری انتخابات و محدودیت‌های حاکم بر آن، همانند شرکت فعال در انتخابات یک حق طبیعی و فردی است که آثار اجتماعی در بر دارد و از این‌رو باید به‌صورت مسوولانه صورت گیرد، یعنی انسان در اعمال یک حق فردی باید تبعات اجتماعی آن را مدنظر قرار دهد. اگر هزینه شرکت یا عدم شرکت در انتخابات از حساب شخصی افراد پرداخت می‌شد و هیچ صدمه‌ای به حقوق و منافع افراد دیگر وارد نمی‌کرد در آن صورت به‌عنوان یک اقدام فردی، شایسته بررسی در حوزه زندگی اجتماعی نبود ولی واقعیت این است که با توجه به توسعه زندگی اجتماعی و رفتارهای فردی در جهت‌دهی به مسیر جامعه موثر بوده. استدلال اصلی تحریم‌کنندگان این است که با عدم حضور خود، برگزارکنندگان انتخابات را متوجه کاستی‌ها کرده تا انتخابات با رعایت استانداردها برگزار شود. اما با توجه به اینکه دلایل و انگیزه‌های افراد بر عدم شرکت، متعدد و بعضا متضاد باشد، انتقال پیام واحد بسیار دشوار است و با هزینه کمتری نتیجه مغایر یا مطلوب تحریم‌کنندگان را رقم می‌زند. و از این‌رو هر فردی پاسخگوی رفتارها و عملکردهای فردی خود در مقابل جامعه است. از این‌رو شرکت یا عدم شرکت در انتخابات یک اقدام مسوولانه به لحاظ نتایج اجتماعی است. از این‌رو است که اتخاذ تصمیم را با دشواری مواجه می‌سازد و بیش از بار حقوقی از بار اخلاقی برخوردار است و این امر به مساله انتخابات ابعاد پیچیده‌ای می‌بخشد. به‌طوری که تحریم‌کنندگان انتخابات گویی به شرکت‌کنندگان در انتخابات وکالت می‌دهند که به‌جای آنها تصمیم بگیرند و این یکی از آثار منفی عدم شرکت در انتخابات است. حق انتخاب شرکت‌کنندگان را تقویت کرده و خود را از تاثیرگذاری محروم می‌کند. در تحلیل نهایی عدم شرکت یک عکس‌العمل فردی و احساسی است که آثار مثبت اجتماعی آن محل تردید است و به‌سختی می‌توان عدم شرکت را به‌عنوان یک حرکت اعتراضی تاثیرگذار قلمداد کرد. در مجموع تاثیرگذاری در روند انتخابات و ارتقای کیفیت آن باید به‌صورت ایجابی و با استفاده از ظرفیت‌ها و امکانات موجود صورت بگیرد.

یادداشت

اگر رای ندهیم، اصولگرایان رای می‌آورند

صادق زیباکلام

کار محمدرضا عارف کارستان بود. او مصالح کشور و منافع ملی ایران را مقدم بر مصالح و منافع فردی گرفت. عارف نشان داد که درد اصلاحات و اصلاح‌طلبان را دارد و بالاتر از اصلاحات و اصلاح‌طلبی، درد ایران را دارد. درد آنچه که بر این کشور ظرف این هشت سال رفته است را دارد. چه در عرصه داخلی و چه در عرصه خارجی.

ردصلاحیت آقای هاشمی بعد ثبت‌نام و سرانجام انصراف عارف به‌منظور جلوگیری از شکسته‌شدن رای اصلاح‌طلبان جملگی در یک نقطه جمع شدند و آن رفتن پای صندوق‌های رای در ۲۴ خرداد است. اگر می‌خواهیم به رد صلاحیت آقای هاشمی اعتراض کنیم، اگر می‌خواهیم بگوییم درد عارف را زمانی‌که در مناظره گفت که چهار سال سکوت کرده و کلامی پیرامون ۲۲ خرداد و مسایل بعد آن را نگفته، می‌فهمیم، جملگی فقط به پای صندوق رای رفتن است.

ما روز جمعه هیچ عذر و بهانه‌ای برای رای‌ندادن نداریم. اگر رای ندهیم، اگر تردید کنیم، اگر خیالات باطل درمورد نتیجه انتخابات کنیم و اگر هر سودای دیگری بکنیم که مانع از رفتن ما پای صندوق رای شود، یقینا به‌نفع اصولگرایان و تداوم سیاست‌های هشت سال گذشته گام برداشته‌ایم. اگر رای ندهیم و اصولگرایان با اقلیت مصمم و ثابتی که دارند، رای بیاورند و نامزدشان انتخاب شود، واقعا نوش‌جانشان و حقشان است.

البته که حاصل رای‌ندادن ما نه‌تنها به زیان اصلاح‌طلبان که در حقیقت به زیان کشورمان تمام خواهد شد.

تمام سیاست‌های غیراصولی و سیاست‌زده هشت‌سال گذشته، برای چهارسال دیگر ادامه خواهند یافت.

قهر با دنیا و تیرگی با همسایگان در منطقه، پرداخت یارانه نقدی به بیش از ۹۰ درصد جهت صرف‌نظر از میزان فقر و غنایشان، تداوم گسترش اقتصاد دولتی به همراه ناکارآمدی و سایر معضلات آن، مهاجرت فارغ‌التحصیلان شریف، پلی‌تکنیک و فنی دانشگاه تهران، خشک‌شدن بیشتر دریاچه ارومیه و از بین رفتن بیشتر جنگل‌ها و... همه اینها به‌علاوه معضلات و گرفتاری‌هایی که نامزدهای اصولگرا بر آن اذعان داشتند، با پیروزی اصولگرایان برای مدت چهارسال دیگر دست‌کم ادامه خواهد یافت.

البته شرکت‌کردن یا نکردن در انتخابات حق طبیعی هر شهروندی است. اما و در عین حال عدم شرکت در انتخابات حجت را بر ما تمام خواهد کرد چرا که با تحریم یا شرکت‌نکردنمان درحقیقت بزرگ‌ترین کمک را به اصولگرایان کرده‌ایم و آب ریخته‌ایم به آسیاب انتخاب مجدد یک احمدی‌نژاد دیگر برای چهارسال.

یادداشت

امید رسیدن به استانداردهای بالاتر

صباح زنگنه
کارشناس امور بین‌الملل

● «آیا در انتخابات شرکت می‌کنید؟» طرح سوال، نشان می‌دهد که یک خلأ فکری وجود دارد. این خلأ ناشی از تصورات ساده‌انگارانه در بخشی از جامعه است که تصور می‌کنیم با شرکت در انتخابات؛ هرچه آرزو داریم، تحقق می‌یابد. انتخابات یعنی قبول «مسوولیت»، مشارکت در «تفاهم اجتماعی» و «تحمل نتایج انتخاب» است. آری من رای می‌دهم. رای‌دادن حق است و باید از این حق استفاده شود. باید به تجربه دموکراسی و مشارکت همگانی وارد شویم و از این تجربه بتوانیم برای رسیدن به استانداردهای بالاتری از آگاهی و ایفای نقش اجتماعی بهره بگیریم. بدون این تجربه‌ها، آزادی و دموکراسی و مشارکت اجتماعی یک ملت از مسیرهای غیبی نازل نمی‌شود. این جزو اموری است که جامعه باید خود تجربه کند و نقش ایفا کند تا وضعیت را بهبود ببخشد. از سوی دیگر، فردی که نظام و جامعه را پذیرفته باید تمام پیامدهای آن و تمام قوانین و مقررات و قواعد بازی را بپذیرد. بخشی از قواعد، در یک اقدام سیاسی مشارکت در انتخابات است. البته قواعد دیگری هم وجود دارد. می‌توان شخصی را که انتخاب شده و دچار عدول از مقررات و قوانین شده است، عزل کرد. قاعده دیگر در مورد اکثریت و اقلیت مطرح می‌شود و معنا پیدا می‌کند و آن هم حرمت‌گذاشتن به نظر اکثریت و مداراکردن با اقلیت است. انتخابات یک جاده دوطرفه است و با مشارکت معنا پیدا می‌کند. ممکن است صددرصد خواسته «من» فردی یا اجتماعی محقق نشود، اما در طول مسیر این جریان، نحوه تفاهم و درک دیگران را حاصل می‌کنم. از وزیرخارجه اسبق ترکیه، در مورد اصرارشان در الحاق به اروپا جویا شده بودم؛ پاسخ ایشان جالب بود: ما به‌دنبال یافتن سازوکارهای ارتقای کیفیت رفتارهای اجتماعی نسبت به همدیگر در جامعه ترکیه بودیم و می‌خواستیم استانداردهای رفتاری خودمان را بهبود بخشیم چراکه اروپا این مسیر را طی چندصدسال گذرانده بود؛ می‌خواستیم مقررات دقیق و ریزرفتارهای حقوقی را اصلاح کنیم؛ رعایت استانداردهای انسانی و حقوق اجتماعی را به جامعه خود آموزش دهیم و نحوه نظارت عمومی را عملی کنیم، چه در مورد زنان و چه درخصوص کارگران و یا فعالان سیاسی، موافقان حکومت یا مخالفان آن و می‌خواستیم همه اینها را «نهادینه» کنیم و اکنون به آن مراحل رسیده‌ایم و لذا دیگر اصراری بر «الحاق» به اروپا نداریم. رای‌ندادن یعنی مسدودکردن همه جاده‌های رفت‌وآمد و جلوگیری از امکان رشد و ایجاد تغییرات حیات سیاسی و فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی یک کشور است.